

**دکتر ابراهیم متقی\***

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

**مریم همت خواه\*\***

کارشناس ارشد علوم سیاسی

**چکیده:**

مقاله پیش رو به نقش و جایگاه ایران در بازار انرژی آسیای مرکزی اشاره دارد. در این تحقیق نویسنده ضمن بررسی موقعیت جمهوری اسلامی ایران در عرصه نفت و گاز، به شناسایی موانع و تهدیدات موجود برای ایران در بازار انرژی حوزه آسیای مرکزی از جمله حضور ایالات متحده آمریکا به عنوان بازیگر فرامنطقه‌ای و روسیه به عنوان بازیگر عمده منطقه‌ای پرداخته و با تمرکز بر روابط میان کشورهای آسیای مرکزی در این دو سطح، به ارائه فرصت‌ها و راهکارهای مناسب جهت ایفای یک نقش فعال از سوی ایران در بازار پر مشتری انرژی آسیای مرکزی می‌پردازد. هر یک از دو کشور یاد شده تلاش دارند تا کنترل انرژی را در قالب خاصی پیگیری نمایند. آمریکا درصدد حداکثرسازی پایگاه خود برای کنترل مدار انتقال انرژی و قیمت انرژی می‌باشد. درحالیکه روسیه نگرش تولیدی و نقشی در بازار جهانی دارد.

**کلید واژه‌ها:**

ایران، آسیای مرکزی، بازار انرژی، ایالات متحده آمریکا، روسیه.

## مقدمه

همان‌طور که می‌دانیم ایران به عنوان یکی از غنی‌ترین کشورهای تولیدکننده نفت و گاز در منطقه خاورمیانه می‌باشد. از سوی دیگر تهیه و ساخت زیر بناها، پالایشگاه‌ها و خطوط حمل‌انرژی امتیاز مناسبی جهت ارائه یک نقش فعال برای ایران در منطقه ایجاد کرده است. وجود خطوط لوله شمال به جنوب و همجواری ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی، فرصت خوبی برای ما در معامله خرید و فروش با این جمهوری‌ها فراهم آورده، موقعیتی که می‌توان از آن در تعمیق پیوندهای سیاسی و اقتصادی و ارائه یک بازی فعال استفاده کرد، که مطمئناً دارای ابعاد امنیتی غیر قابل انکار می‌باشد.

برای داشتن یک نقش موفق در بازار انرژی آسیای مرکزی، علاوه بر در نظر گرفتن موقعیت و جایگاه ایران در منطقه، باید به بررسی جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز پرداخت. پس از ورود یک‌باره جمهوری‌های آسیای مرکزی به نظام بین‌الملل در نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در پایان سال ۱۹۹۱، شاهد پیدایش ۱۵ دولت جدید در عرصه جهانی بودیم که از آن میان کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان در سرزمین وسیع آسیای مرکزی قرار دارند. هرچند در ابتدا مشکلات مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیرساختی، چهره ملموسی از خود به آنها نشان داد. ولی با گذشت بیش از یک دهه از سال‌های اولیه استقلال به نظر می‌رسد آسیای مرکزی از آن موقعیت سردرگم خود رهایی یافته و با گام‌هایی مصمم‌تر به پیش می‌رود.

لذا در وضعیت کنونی ما شاهد دو روند هستیم. از یک‌سو اراده و خواست کشورهای آسیای مرکزی برای حرکت به پیش و وارد شدن در عرصه رفتار، کنش‌ها و تعاملات نظام بین‌الملل می‌باشد. نکته مهم و قابل توجه در این بعد، تلاش این جمهوری‌ها برای یافتن مسیرهای جدید و کاهش نفوذ سنتی روسیه بر آنها بود. وابستگی و نیاز این کشورها در زمینه‌های مختلف و از جمله تامین انرژی و زیرساخت‌های مورد نیاز آن جهت بهره‌برداری، تولید، حمل و نقل منابع نفت و گاز و عدم دسترسی آنها به آب‌های آزاد و همسایگی این کشورها با ایران، ممکن است این پرسش را به ذهن برساند که جایگاه و نقش ایران در این میان چه می‌باشد؟ پیدا کردن پاسخ مناسب برای این پرسش، اولین سؤال مورد نظر را روشن خواهد کرد. از سوی دیگر، رفتار و نحوه عملکرد سایر کشورها با این جمهوری‌ها نیز حائز اهمیت است.

از یک طرف روسیه با برخورداری از مزیت انحصاری همجواری جغرافیایی با آنها در صدد جایگاه برتر خود در منطقه می‌باشد. تجربه انقلاب‌های رنگی، خطر گسترش ناتو به منطقه تحت نفوذ سنتی کرملین و بالاخره رقابت روسیه با سایر بازیگران در عرصه انرژی، دغدغه‌ای است که همچنان روسیه با آن دست به گریبان می‌باشد.

پرسش دوم مقاله این است که با توجه به اینکه روسیه ابر قدرت انرژی قرن بیست و یکم خوانده شده، نقش ایران در تنظیم روابط با روسیه و در این بین نحوه رقابت ما با این کشور بر سر دستیابی به بازار انرژی آسیای مرکزی چگونه می‌باشد؟

عامل دیگر در این ارتباط، غرب و رابطه آن با کشورهای آسیای مرکزی است. به عبارت دیگر اگر چه غرب با شعار مبارزه با تروریسم و گسترش دموکراسی، مجوزی برای ورود خود به منطقه مورد بحث فراهم کرده، ولی کاملاً واضح است که ورود و نفوذ ایالات متحده در منطقه دارای پیامدهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی برای ایران می‌باشد. در این رابطه آمریکا همواره مجدانه در صدد محروم کردن ایران از مزایای دسترسی به بازار انرژی منطقه بوده و هیچ‌گاه مایل به تقویت مسیر استراتژیک انتقال منابع انرژی از خزر به خلیج فارس و تنگه هرمز نشده و همواره متنوع کردن مسیرهای انتقال انرژی را به کشورهای آسیای مرکزی پیشنهاد داده است.

بر این اساس پرسش سوم نگارندگان عبارت از این است که با توجه به تهدیدهای آشکار آمریکا و رفتار کج‌دار و مریز روسیه در منطقه علیه ایران بر سر مسیر انتقال انرژی دریای خزر، فرصت‌های پیش روی ایران جهت خنثی کردن این چالش‌ها کدامند؟ بالاخره اینکه ایران چگونه می‌تواند در بازار پر رقیب انرژی آسیای مرکزی از حالت انفعال خارج شده و نقش آفرین باشد؟

## چشم انداز بازار انرژی آسیای مرکزی

بازار انرژی تابعی از ژئوپلیتیک نفت می‌باشد. کشورهای که در روند تولید انرژی قرارداد دارند، از امکانات لازم برای حداکثر سازی موقعیت خود برخوردارند. جهانی شدن اقتصاد را می‌توان زمینه‌ای برای فعال‌سازی کشورهای مختلف در حوزه انرژی دانست. جمهوری اسلامی ایران در زمره کشورهای قرار دارد که نه تنها از قابلیت تولیدی برخوردار است، بلکه دارای قابلیت انتقالی نیز می‌باشد.

با نیم‌نگاهی به ذخایر انرژی منطقه دریای خزر، می‌توان اذعان داشت که آمار و تعابیر مربوط به منابع موجود آن در گذشته اغراق شده است. چرا که این منطقه چنانکه به نظر می‌رسد هرگز یک خلیج فارس دیگر نخواهد شد، اما این احتمال وجود دارد که با دارا بودن حدود ۳ درصد از منابع نفت جهان (۲۲-۱۶ میلیارد بشکه) یک دریای شمال جدید باشد.

بالاترین پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی IAEA (International Atomic Energy Agency) تولید سالانه نفت آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان را نزدیک به ۱۹۴ میلیون تن یا ۳/۹ میلیون بشکه تا سال ۲۰۱۰ اعلام می‌کند. این میزان در بهترین حالت ۱۳۸ میلیون تن یا ۲/۸ میلیون بشکه تا سال ۲۰۱۰ تخمین زده می‌شود.

پیش‌بینی میزان تولید گاز از این هم مشکل‌تر است. چراکه به چند عامل همچنان ناشناخته مثل ایجاد بازارهای داخلی و صادراتی بستگی دارد، اما آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی می‌کند که تولید گاز به ۲۰۰ میلیارد متر مکعب تا سال ۲۰۱۰ برسد. با این حال خبر خوب برای کشورهای ساحلی خزر این است که روند رو به رشد مصرف جهانی انرژی در دهه‌های آتی نیز ادامه یافته و تقاضا برای نفت و گاز به طور چشمگیری افزایش خواهد یافت. بر این اساس آژانس بین‌المللی با توجه به احداث پروژه‌های خطوط لوله و با احتساب مصرف جهانی تخمین زده که صادرات نفت و گاز آسیای مرکزی به ۱۱۷ میلیون تن یا ۲/۳ میلیون بشکه و ۸۴ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۰ افزایش می‌یابد. تولید و صدور نفت و گاز پس از سال ۲۰۱۰ حتی بیش از این ارقام پیش‌بینی می‌شود و این سرمایه‌گذاری‌های عظیم در پروژه‌های جدید، نقش و جایگاه خطوط لوله را توجیه می‌نماید (رار، ۱۳۸۳، صص ۲۲۴-۲۲۳).

در بررسی سیستم خطوط لوله حمل نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی، همچنان تاثیر نظام کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی بر آنها کاملاً مشهود است. عدم توسعه مسیرهای انتقال انرژی جمهوری‌های آسیای مرکزی و صرفاً خطوط لوله تحت کنترل روسیه، پاسنگوی افزایش رو به رشد تقاضای نفت و گاز و به دنبال آن حجم وسیع عرضه در منطقه نخواهد بود. آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان سه کشور ساحلی می‌باشند که در آنها ذخایر هیدروکربنی دریای خزر متمرکز شده است. برخلاف ایران و روسیه، سه کشور ساحلی دیگر خزر، سرزمین‌های بسته‌ای بوده و فاقد دسترسی به آب‌های آزاد می‌باشند. صرف‌نظر از مشکلات تکنولوژیکی شبکه خطوط لوله صادرات جمهوری‌های آسیای مرکزی، بسیاری از مشکلات دیگر نظیر تفاوت در کیفیت نفت، تعرفه‌های ترانزیتی متفاوت و موانع مدیریتی ایجاد شده به وسیله حکومت‌های محلی روسی، روند صدور منابع نفت و گاز را بسیار پیچیده و مشکل نموده است. از سوی دیگر برخلاف خاورمیانه، صدور محصولات هیدروکربنی دریای خزر نمی‌تواند متکی به تانکر باشد. از آنجا که این منطقه سرزمینی بسته و غیرقابل دسترسی به دریاها آزاد می‌باشد، لذا حمل و نقل ذخایر نفت و گاز نیازمند خطوط لوله طویل و بلند جهت رسیدن به بازارهای خارجی می‌باشد (Adeebfar, 2005, pp 75-77). با توجه به مشکلات عمومی و تقریباً یکسانی که برای جمهوری‌های آسیای مرکزی برشمردیم، می‌بینیم که به لحاظ موقعیت جغرافیایی هیچ راه ساده‌ای برای صدور منابع انرژی از حوزه دریای خزر وجود ندارد و این کشورها منطقه‌ای غیر قابل دسترسی به اقیانوس و محصور در خشکی بوده و لذا متکی به همکاری با کشورهای همسایه از جمله ایران برای رساندن منابع نفت و گاز خود به بازار فروش می‌باشند. به لحاظ موقعیت سیاسی، مسائل امنیتی منطقه‌ای می‌توانند در مبادلات انرژی منطقه مانع باشند. این مسائل شامل: عدم ثبات داخلی در جمهوری‌ها، عدم سازماندهی مدیریتی، روابط زیر ساختاری فقیر، نزاع‌های سیاسی و سیاست‌های غیر عادلانه انرژی به‌عنوان یک بار اضافی عمل می‌کنند.

(www. Porstimes . Com: "Red position of Caspian oil in the world energy scen" Iran importanan ces", 04/07/2006, p3.)

با در نظر گرفتن این معضلات، به نظر می‌رسد که راهکارها و روش‌های حل مشکلات مربوط به سیستم حمل و نقل آنها نیز یکسان باشد. به عنوان اولین و مهم‌ترین راهکار، اشتیاق کشورهای منطقه جهت برقراری روابط اقتصادی با دول همسایه‌شان می‌باشد. به عبارت دیگر

دسترسی آسان به اقتصاد کشورهای همسایه مثل ترکیه، چین، آسیای جنوبی و مهم‌تر از همه ایران، جمهوری‌های محصور در خشکی آسیای مرکزی را قادر خواهد ساخت تا با اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی پیوند برقرار نمایند. در این میان توجه این کشورها به جمهوری اسلامی ایران در روند انتقال منابع انرژی را نمی‌توان نادیده گرفت. بعنوان مثال تکمیل خط آهن مشهد - سرخس - تجن و ارتباط جاده‌ای بین ایران و ترکمنستان در ۱۹۹۶ را می‌توان نام برد، که از این طریق جمهوری‌های محصور در خشکی آسیای مرکزی به ایران مرتبط شدند. این امر نه تنها زمان مسافرت به اروپا از قزاقستان را کوتاه کرد، بلکه شبکه حمل و نقل آسیای مرکزی را برای دسترسی به بازارهای آسیای جنوبی و آسیای غربی تسهیل نمود (واریکو، ۱۳۸۳، ص ۳۹۳).

### نقش جمهوری اسلامی ایران در روابط انرژی با کشورهای آسیای مرکزی

در شرایط حاکم بر جمهوری‌های آسیای مرکزی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این کشورها در صدد یافتن مسیرهای جدید و کاهش نفوذ سنتی روسیه برآمدند. در این میان، ایران به عنوان یکی از بهترین مسیرهای دسترسی آنها به آب‌های آزاد جهان می‌باشد. در واقع ویژگی جغرافیایی ممتاز ایران از نظر دسترسی به آب‌های آزاد خلیج فارس در جنوب کشور، این امکان را برای کشورهای حوزه دریای خزر فراهم کرده که به راحتی به عرضه و یا تقاضای فرآورده‌های نفتی و گازی با ایران بپردازند. این واقعیت که به جز ایران و روسیه، سه کشور ساحلی دیگر (آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان) در خشکی محصور هستند، به شدت بر ملاحظات انرژی منطقه اثر گذاشته است.

امتیازهای مثبت جمهوری اسلامی ایران در این ملاحظات را می‌توان در سه بعد بررسی

کرد:

- ۱- موقعیت جغرافیایی مناسب
- ۲- خطوط لوله و زیر ساخت ها
- ۳- دارا بودن منابع غنی نفت و گاز

## موقعیت جغرافیایی مناسب

جایگاه جغرافیایی کم نظیر ایران میان دو انبار انرژی یعنی خزر و خلیج فارس در شمال و جنوب برای هر ناظری انکار ناپذیر می باشد. ایران با داشتن نزدیک به ۲۰۰۰ مایل خط کرانه‌ای در جنوب می تواند دسترسی آسان، مستقیم و مطمئن منطقه محاصره شده در خشکی آسیای مرکزی را به بازارهای جهانی تضمین کند. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که ایران تنها کشور منطقه است که از ناامنی های ناشی از کشمکش های جغرافیایی، جنگ های داخلی و درگیری های تجزیه طلبانه که گریبان گیر اکثر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است، بری می باشد. این واقعیت را می توان در بررسی مسیرهای پیشنهادی از سوی غرب به کشورهای منطقه به خوبی درک کرد. این راه ها عبارتند از:

راه باکو - جیحان که از خاک ترکیه که بر خلاف جدایی خواهی ها و نا امنی های آبخازی در گرجستان و خاور ترکیه باید از آن مناطق عبور کند.

راه ترکمنستان - افغانستان - پاکستان: که افزون بر جنگ های داخلی افغان ها باید از سرزمین های کوهستانی این سه کشور بگذرد.

راه روسیه - گرجستان: که با وجود نا امنی های چین، داغستان، آبخازی و ... باید از این سرزمین ها عبور نماید.

بالاخره خط لوله زیر دریایی میان ترکمنستان و جمهوری آذربایجان، که باید نفت ترکمنستان را به باکو منتقل کرده و در آن جا دچار همان بلا تکلیفی شود که نفت صادراتی جمهوری آذربایجان دچار آن است. گذشته از طولانی بودن، کوهستانی بودن و دیگر دشواری های عمده جغرافیایی، همه این راه ها با درگیری های تجزیه طلبانه و مسائل امنیتی بغرنج روبه رو بوده و از لحاظ اقتصادی به صرفه نیست. (www.iranbar.com . 08/07/ 2006)

## زیر ساخت ها و خطوط لوله

برای صدور نفت و گاز خزر - آسیای مرکزی، تاسیس یک شبکه لوله که این منطقه را از راه ایران به دریا های آزاد در جنوب و صل کند، بی تردید عملی ترین راه است. چنین شبکه ای کوتاه ترین، امن ترین و اقتصادی ترین راه صدور انرژی منطقه به بازارهای جهانی را در اختیار

خواهد گذارد. علاوه بر این، نیروی انسانی گسترده و ماهر ایران در زمینه تکنولوژی انرژی، زیربنای گسترده و پیشرفته راه‌های حمل و نقل زمینی و دریایی همراه با پایانه‌ها و پالایشگاه‌های موجود و شبکه لوله‌های نفت و گاز در ایران، مزایای فنی و تدارکات شایان توجهی در اختیار صادر کنندگان نفت و گاز قرار می‌دهد که هیچ جایگزین دیگری را برای برابری با آن نیست.

ترتیبات مبادله با ایران حداکثر امنیت را برای کمپانی‌های تولید کننده منطقه خزر خواهد داشت و در نتیجه نیازی به مداخله سایر مسیرهای ترانزیتی در سایر کشورها نخواهد بود. این واقعیت که ایران با عبور نفت از پالایشگاه‌های خود به عنوان امن‌ترین خروجی برای نفت و گاز دریای خزر می‌باشد، علاقه زیادی را در سایر کشورهای منطقه ایجاد خواهد کرد. این روند در ۳ مرحله قابل اجرا می‌باشد:

۱- مرحله اول: ساختن خط لوله بین نکا و پالایشگاه تهران که نزدیک به اتمام است. این پروژه به دو بخش تقسیم می‌شود: ابتدا ساخت ۳۹۲ کیلومتر خط لوله بین نکا (نزدیک دریای خزر) و پالایشگاه تهران در ری (واقع در جنوب تهران). ارزش این خط لوله و ایستگاه‌های پمپاژ مربوط به آن در حدود ۲۸۰ میلیون دلار تخمین زده شده است.

بخش دوم پروژه، خطوط پالایشگاهی تهران و تبریز را در بر می‌گیرد. ارزش این بخش هم ۱۲۰ میلیون دلار تخمین زده شده و با تکمیل فاز اول، ایران قادر به صدور ۳۱۵۰۰ بشکه نفت خزر در روز به پالایشگاه‌های اصلی خود خواهد بود. این مقدار امکان افزایش تا ۴۲۵۰۰۰ بشکه در روز در صورت توسعه خطوط لوله بین نکا و تهران را خواهد داشت. همچنین پالایشگاه تهران، توان فرآوری ۲۲۰۰۰۰ بشکه نفت خام در روز از کشورهای خزر در صورت پمپاژ از طریق پالایشگاه تبریز را دارا می‌باشد.

۲- مرحله دوم: منطقه بندر انزلی می‌باشد. این بندر که در جنوب شرقی دریای خزر و در فاصله ۱۲۰ کیلومتری از مخازن نفت قرار دارد، قابلیت حمل ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز به پالایشگاه تبریز را دارد. از طرف دیگر توان حمل همان میزان نفت به پالایشگاه تهران (جنوب) را دارا می‌باشد. این پروژه خط لوله ری- نکا را کامل خواهد کرد و احتمالاً ۱۲۰ میلیون دلار اعتبار خواهد داشت. در صورت نوسازی پالایشگاه‌های تهران و تبریز و اعطای تسهیلات بیشتر به بندر انزلی این امر نتیجه اقتصادی بهتری خواهد داشت.

با تکمیل این پروژه‌ها و عرضه نفت از خزر به پالایشگاه‌های تهران و تبریز خطوطی که در حال حاضر نفت را به پالایشگاه‌های فوق‌الذکر می‌آورند خالی خواهد ماند. در فاز دوم این پروژه، با استفاده از ظرفیت خط لوله و معکوس کردن جریان نفت، نفت بیشتری از کشورهای تولیدکننده خزر به جنوب روانه شده و روزانه ۲۲۰۰۰ بشکه در پالایشگاه اصفهان و ۱۵۰۰۰۰ بشکه در پالایشگاه اراک تصفیه می‌شود، که قابلیت جذب ۷۰۰۰۰۰ بشکه نفت از کشورهای آسیای مرکزی و غربی را دارد.

۳- در نهایت در مرحله سوم، ظرفیت این خطوط لوله که نفت را به پالایشگاه‌های اصفهان و اراک حمل می‌کند، جهت حمل بیشتر نفت در شبکه سوخت ایران مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در این مرحله خطوط جدید می‌بایست ساخته شود تا ایران به عنوان یک مسیر عالی ترانزیتی در نظر گرفته شود. در حال حاضر، ایران در موقعیت مناسب جهت خرید نفت خزر در بنادر شمالی برای تامین سوخت داخلی قرار دارد. بیش از ۷۰۰۰۰۰ بشکه در روز در پالایشگاه‌های شمالی ایران پالایش شده و این تولیدات در سطح داخلی مصرف می‌شوند. فعلا همین نفت مورد نیاز از مناطق نفتی جنوبی از پالایشگاه‌های اراک (۱۶۰۰۰۰ بشکه در روز)، اصفهان (۲۲۰۰۰۰ بشکه در روز)، تهران (۲۲۰۰۰۰ بشکه و تبریز (۱۰۰۰۰۰ بشکه) پمپاژ می‌شود. این در حالی است که ایران توان صدور نفت مورد نیاز برای پالایشگاه‌های فوق از حوزه دریای خزر را دارد، که مطمئنا این مسئله هزینه پمپاژ نفت از جنوب کشور به این پالایشگاه‌ها را کاهش خواهد داد. ایران همچنین توان خرید نفت از تولیدکنندگان نفت، شرکت‌ها و کارگزاران تجاری دریای خزر و پرداخت بهای مناسب بازار را دارا می‌باشد.

علاوه بر ذخایر نفت، ایران با داشتن ذخایر وسیع گاز بعد از روسیه در رده دوم جهانی قرار دارد. از سویی موقعیت جهانی منحصر به فردش که کشورهای حوزه دریای خزر را به کشورهای خلیج فارس متصل می‌کند به عنوان یک عامل عمده در تسهیل ایجاد شبکه حمل گاز نقش مهمی بازی می‌کند. پوشش خطوط لوله ۲۰۰ کیلومتری در مناطق مرزی ایران در حوزه شمال و غرب کشور با ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، نخجوان و وجود پالایشگاه‌های تبریز و تهران، عاقلانه‌ترین خروجی‌ها برای خط لوله منشعب از آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان می‌باشد. بر این اساس، ایده معاوضه نفت بین کشورهای حوزه خزر و ایران و

عرضه محصولاتشان به پالایشگاه‌های مزبور، سریع‌ترین و ارزان‌ترین راه جهت صدور نفت تولید شده در منطقه می‌باشد.

(www. Payvand. Com. "Energy security in the Caspian basin and oil – gas transunit through Iran. 04/ 07/ 2006, pp3-4.)

وجود خطوط لوله مناسب در داخل کشور علاوه بر سود مطلوب برای کشورهای آسیای مرکزی دارای بار اقتصادی مناسبی نیز برای ما می‌باشد. به طوری که طبق محاسبات صورت گرفته، ایران طی معاوضه نفت با کشورهای آسیای مرکزی از سال ۱۳۸۲ تا کنون درآمدی معادل ۲۰۰ میلیون دلار کسب کرده است. برای افزایش حجم اشتغال، ظرفیت خط لوله ۳۲ اینچی ری-نکا به ۳۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافته است. هرچند در حال حاضر از ظرفیت ۲۳۰ هزار بشکه این خط لوله استفاده می‌شود، ولی انتظار می‌رود تا پایان سال جاری و با تکمیل ساخت و نصب تجهیزات لازم در تلمبه خانه‌ها، ظرفیت این خطوط لوله تا ۳۷۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد. در حال حاضر ظرفیت این خط برای انتقال روزانه ۵۰۰ هزار بشکه نفت خام کشورهای آسیای مرکزی طراحی شده که با تکمیل عملیات نصب پمپ‌های جدید در تلمبه خانه‌ها، این ظرفیت محقق خواهد شد. باتوجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران در داخل هیچ‌گونه محدودیتی برای انتقال نفت خام کشورهای آسیای مرکزی از طریق خط لوله نفتی نکا-ری ندارد، جهت پالایش ۵۰۰ هزار بشکه نفت خام وارداتی از کشورهای آسیای مرکزی علاوه بر تجهیز پالایشگاه‌های تهران و تبریز، در طراحی طرح توسعه پالایشگاه اراک، تصفیه نفت خام مازاد بر نیاز پالایشگاه‌های تهران و تبریز پیش‌بینی شده است.

مجموع هزینه اجرای این طرح ۳۶۰ میلیون دلار بوده و از زمان بهره برداری از این خط در سال ۱۳۸۲ تا کنون ۱۰۰ میلیون بشکه نفت خام کشورهای آسیای مرکزی از طریق خط لوله نکا-ری به کشور وارد شده و معادل آن از بندر خارک به متقاضیان نفت خام این کشورها تحویل داده شده است. با محاسبه هزینه معاوضه هر بشکه نفت خام به میزان ۲ دلار، تاکنون ۲۰۰ میلیون دلار از هزینه‌های این طرح از در آمد معاوضه بازگشت داده شده است. میانگین انتقال نفت خام کشورهای آسیای مرکزی از خط لوله نفت نکا-ری در مرداد ماه امسال ۱۲۷ هزار و ۷۵۰ بشکه در روز بوده است. همین بر آورد در پنج ماهه اول امسال ۱۱۰ هزار و ۵۴۹ بشکه در روز اعلام گردیده است. (shana. ir, 24/09/2006)

### ۳- منابع غنی نفت و گاز

جمهوری اسلامی ایران با تولید حدود ۳/۸ میلیون بشکه در روز، دومین تولید کننده بزرگ نفت در اوپک (OPEC) بعد از عربستان سعودی است. (www.useu.be," Energy dept official on Caspian policy" 04/07/2006, p.2.)

در این ارتباط طبق آمارهای موجود، روسیه با تولید بیش از ۷ میلیون بشکه در روز، پس از عربستان (۸/۵ میلیون بشکه) بوده و ایالات متحده با (۷/۲ میلیون بشکه) در مرتبه سوم جهانی قرار دارد. ایران در این میان در رتبه چهارم دنیا می‌باشد. بر اساس آخرین گزارش‌های آماری، حجم ذخایر اثبات شده نفت ایران ۱۳۷ میلیارد و ۴۹۰ میلیون بشکه اعلام شده است shana.ir,24/09/2006. از نظر صادرات، روسیه در مقام اول جهانی قرار دارد و حدود ۵ میلیون بشکه در روز نفت خام صادر می‌کند. ولی با این وجود ایران را رقیبی قابل توجه در عرصه نفت و گاز می‌داند. همین احساس رقابت روسیه با ایران بود که با عدم مصالحه بر سر مسیر خط لوله انتقال انرژی خزر، برای عبور لوله از دریای خزر به خلیج فارس از طریق مرز ایران و برای عبور لوله از دریای خزر به مرز روسیه در نظر گرفته نشد و در نهایت خط لوله باکو-جیحان گشوده شد.

در زمینه ذخایر گاز طبیعی جهان، روسیه با دارا بودن ۱۶۹۴/۴ میلیارد فوت مکعب ذخایر گازی، به تنهایی ۲۶/۷ درصد از کل ذخایر جهان را در اختیار دارد. پس از آن ایران با ۹۷۰/۸ میلیارد فوت مکعب، ۱۵/۳ درصد کل ذخایر جهان و قطر با ۹۱۰ میلیارد فوت مکعب ۱۴/۴ درصد از کل ذخایر جهان را به خود اختصاص داده اند. طبیعی است که در زمینه ذخایر گاز، ایران بعد از روسیه مقام دوم را کسب می‌کند. در زمینه صدور گاز نیز روسیه در موقعیت بهتری نسبت به ایران قرار دارد، عدم پیوستن این کشور به اوپک در بازار نفت نیز دست مقامات روسیه را در کسب سود بیشتر و حفظ قدرت انحصاری خود در منطقه باز گذاشته است (Iras.ir, 31/10/2006). این نکته ما را به یافتن پاسخی برای پرسش دوم این مقاله ترغیب می‌کند.

## نقش ایران در تنظیم رابطه با روسیه و نحوه رقابت ما با این کشور بر سر دستیابی به بازار انرژی کشورهای آسیای مرکزی چگونه می‌باشد؟

برای پرداختن به این موضوع، بازیگران حاضر در منطقه آسیای مرکزی را در دو گروه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار می‌دهیم. بر این اساس بازیگران منطقه‌ای عبارتند از: روسیه، ایران، چین، ازبکستان، قزاقستان و ترکیه که هر یک به‌دنبال توسعه حوزه نفوذ خود می‌باشند. کشورهای روسیه، ایران و ترکیه از قدرت مانور بیشتری در منطقه برخوردار بوده و به‌همین دلیل حساسیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. سطح ادعای ژئوپلیتیک کشورهای قزاقستان، ازبکستان و چین محدودتر بوده و تنها به حوزه آسیای مرکزی و سپس خزر محدود می‌شود. لیکن ایران، روسیه و ترکیه سطح ادعای ژئوپلیتیک خود را علاوه بر دو منطقه مزبور به منطقه قفقاز نیز گسترش می‌دهند. در بین این سه دولت نیز روسیه و ایران نسبت به این مناطق بیشتر تاثیرگذار و تاثیرپذیر می‌باشند. زیرا تماس جغرافیایی و پیوندهای ژئوپلیتیکی گسترده‌تری دارند ولی ترکیه وضعی مشابه آنها نداشته و بازیگری آن در منطقه خزر و آسیای مرکزی فاقد پشتوانه ژئوپلیتیکی قابل اعتنا می‌باشد. در این میان کشورهای ایران و روسیه، علاوه بر اهداف ژئوپلیتیک توسعه حوزه نفوذ، دارای نگرانی‌های امنیتی نسبت به خود می‌باشند. بنابراین بخشی از نقش آفرینی آنها علاوه بر جستجوی منافع، متوجه کسب توانایی بازدارندگی تهدیدها نسبت به خود با مبداء و سمت مناطق آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد.

بازیگران فرامنطقه‌ای محور قفقاز - آسیای مرکزی عبارتند از: آمریکا، اسرائیل، اتحادیه اروپا، هند، پاکستان، عربستان و ژاپن. در بین این بازیگران، اتحادیه اروپا در قالب توسعه حوزه نفوذ ناتو تا منطقه قفقاز و نیز ایجاد سازه‌ها و زیر ساخت‌های مرتبط با محور مزبور عمل کرده است. کشورهای هند، پاکستان، عربستان و ژاپن قدرت بازیگری چشمگیری در محور مزبور ندارند و تا اندازه‌ای در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و فنی آن هم در مقیاس محدود عمل می‌کنند (حافظ نیا، ۱۳۸۳، ص ۳۷۵). بنابراین بازیگر اصلی فرامنطقه‌ای آمریکاست که در جستجوی اهداف اقتصادی و ژئواستراتژیک، فرایندهای منطقه‌ای را با اجرای استراتژی ترکیبی در کنترل و استخدام می‌گیرد. با توجه به اینکه تمرکز این بخش از پژوهش روی بازیگران منطقه‌ای می‌باشد، لذا به بازیگر عمده منطقه‌ای یعنی روسیه و نحوه رفتار این کشور در بازار انرژی منطقه‌ای آسیای مرکزی می‌پردازیم.

در بررسی تنظیم رابطه ایران با روسیه و نحوه رقابت ما با این کشور دو متغیر دخیلند:

۱- نوع رفتار روسیه با کشورهای آسیای مرکزی

۲- نوع رفتار روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای حاضر از جمله ایالات متحده آمریکا

### الف: روسیه و کشورهای آسیای مرکزی

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه سیاست خارجی خود را بر مبنای "خارج نزدیک" (اعضای سابق اتحاد جماهیر شوروی) و "خارج دور" (دیگر کشورهای جهان) استوار نمود. بر این مبنای کشورهای تازه استقلال یافته به‌عنوان خارج نزدیک و حیاط خلوت روسیه شناخته شدند. از این پس روسیه از یکسو درصدد حفظ و گسترش نفوذ تاریخی خود بر کشورهای جدیدالتاسیس برآمده و از سوی دیگر مخالفت خود را با حضور بازیگران مداخله‌گر در امور منطقه‌ای (همانند ایالات متحده آمریکا به‌عنوان هژمون مسلط، ترکیه و ....) عملاً نشان داده است (Iras. ir, 01/11/2006).

تجربه وقوع انقلاب‌های رنگی برای جمهوری‌های واقع در محدوده حیاط خلوت روسیه از یکسو و حضور سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشورهای اسلامی و غربی از سوی دیگر، باعث شد که مسکو هنوز با وجود گذشت یک دهه از فروپاشی اتحاد شوروی، حضور سایر کشورها را به‌عنوان عملی خصومت‌آمیز علیه منافع خود تلقی نماید. در این میان واقعیت تلخ برای روسیه آن است که در هر صورت موقعیت ژئوپلیتیک در قفقاز کاملاً تغییر نموده و روسیه سلطه و نفوذش را در منطقه دریای خزر به‌طور نسبی از دست داده است. در واقع حکومت‌های مستقل جدید سیاست نگاه به شرق اما نه به روسیه بلکه به همسایگان خود را در پیش گرفتند و به دنبال این روند موقعیت ترکیه و ایران در قفقاز قوی‌تر گردید. در نتیجه خلا قدرت به‌وجود آمده در منطقه و نیاز کشورهای حوزه آسیای مرکزی به برقراری روابط اقتصادی و عمدتاً زیر ساختاری با کشورهای مزبور و به ویژه ایران، حساسیت زیادی را برای روسیه برانگیخت.

با نگاهی اجمالی به حرکت روس‌ها در منطقه می‌توان گفت که آنها در رقابت با ایران نتوانسته‌اند چندان موفق عمل کنند. در واقع یکی از عوامل موثر در این زمینه عدم عضویت

روس‌ها در اوپک و باز بودن دستشان در افزایش قیمت‌های فروش نفت و گاز به جمهوری-های آسیای مرکزی می‌باشد. همین امر منجر به اشتیاق آن کشورها و جلب توجه‌شان نسبت به ایران گردیده است. به‌عنوان مثال می‌توان به آذربایجان اشاره داشت. این جمهوری که از سال ۲۰۰۱ همه ساله ۴/۵ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از روسیه به مبلغ ۶۰ دلار بابت هریک هزار متر مکعب وارد می‌کرد، این رقم در اوایل سال ۲۰۰۶ به ۱۱۰ دلار افزایش پیدا کرد و از سوی دیگر روسیه اعلام نمود که از سال جدید میلادی در صدد افزایش قیمت گاز طبیعی صادراتی خود به کشورهای قفقاز از جمله آذربایجان تا ۲۳۰ دلار بابت هر یک هزار متر مکعب است. به‌دنبال این روند، مقام‌های رسمی جمهوری آذربایجان اعلام کرده‌اند که به طور جدی پیگیری موضوع واردات گاز طبیعی از جمهوری اسلامی ایران می‌باشند (shana.ir, 22/11/2006). بر این اساس طبق توافقات به‌عمل آمده میان مقامات ایران و آذربایجان در سال ۲۰۰۷ میلادی آذربایجان بین ۱/۵ تا ۲ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از ایران خریداری خواهد نمود (shana.ir, 28/10/2006). در همین رابطه مقامات گرجستان نیز با توجه به اعلام نرخ جدید گاز روسیه به مبلغ ۲۳۰ دلار برای هر هزار متر مکعب، به‌دنبال جایگزین کردن ایران به جای روسیه برآمده‌اند. به‌طوری‌که گرجستان رسماً اعلام کرده جهت کاهش وابستگی خود به گاز روسیه در صدد خرید گاز از ایران است (Shana.ir, 22/11/2006). امکان اجرایی شدن این ایده بسیار قابل تردید است.

موضوع دیگری که می‌تواند به ایران در زمینه همکاری انرژی با جمهوری‌های حاشیه خزر و در رقابت با روسیه کمک کند وجود بسترهای مناسب برای پیوند ایران با این کشورهاست. ایران به لحاظ ظرفیت‌ها و توان خود در زمینه نفت و گاز و هم به دلیل پیوستگی جغرافیایی با اکثر کشورهای این منطقه از توان خوبی برای تامین نیازهای آنها برخوردار است.

احداث خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به ایران، ارسال گاز به جمهوری نخجوان و پروژه مهم انتقال گاز به ارمنستان و گرجستان از نمونه‌هایی است که توانمندی ایران را به‌ظهور رسانده است. وجود روابط همواره پایدار و صلح آمیز بین ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی، امتیاز مثبت دیگری است که ما می‌توانیم در برقراری هرچه بیشتر رابطه انرژی با این کشورها در رقابت با روسیه جلوتر باشیم. به‌عنوان مثال پس از بروز بحران دیپلماتیک میان

روسیه و گرجستان در پی دستگیری ۵ افسر روسی در گرجستان به اتهام جاسوسی (هرچند اختلاف میان این دو کشور دارای ریشه های عمیق تری می باشد) ارمنستان در آستانه بحران قرار گرفت و علت این مسئله بر سر آن بود که بخش اعظم انتقال انرژی به ارمنستان از خاک گرجستان صورت می گیرد، هرچند تا کنون گرجستان به ازای هر ۱۰۰۰ متر مکعب گاز روسیه ۱۱۰ دلار پرداخت می کرد. ولی ارمنستان به صراحت اعلام نموده که برای تامین گاز مورد نیاز جمهوری ۳/۳ میلیون نفری، نه از روسیه و نه گرجستان بلکه در صدد خرید گاز از ایران می باشد. (Shana. ir, 09/10/2006) در همین رابطه بر اساس قراردادی که در ماه مه ۲۰۰۴ میان ارمنستان و ایران امضاء شده در مرحله اول، میزان صادرات گاز ایران ۱/۱ میلیارد متر مکعب بوده و از سال ۲۰۱۹ این رقم به ۲/۳ میلیارد متر مکعب افزایش خواهد یافت. در این زمینه تا کنون کار ساخت ۳۸ کیلومتر از خط لوله در فاصله مگری - کاجاران به اتمام رسیده و مسافت این بخش از خط لوله گاز ایران ۳۵ میلیون دلار هزینه داشته که ۸۰ درصد آن از سوی بانک توسعه صادرات ایران به ارمنستان وام داده شده است (Shana. ir, 28/10/2006).

فرصت دیگری که برای جمهوری اسلامی ایران در رقابت با روسیه در برقراری روابط انرژی با جمهوری های آسیای مرکزی وجود دارد، مسئله رقابت موجود میان روسیه و این جمهوری ها است. به عنوان نمونه ترکمنستان پس از روسیه، دومین دارنده ذخایر گاز بین کشورهای استقلال یافته شوروی به شمار می رود و منابع گاز این کشور نقش مهمی در وضعیت ژئوپلیتیک منطقه ایفا می کند. بر این اساس این جمهوری با خط لوله ای به طول ۲۰۰ کیلومتر از سال ۱۹۹۷ تا کنون سالانه بیش از ۸ میلیارد متر مکعب گاز به ایران صادر کرده است. البته این میزان پس از اجرای پروژه توسعه در سال گذشته به ۱۲ میلیارد متر مکعب افزایش یافت (shana. ir, 28/10/2006).

با توجه به مطالبی که تا کنون گفته شد می توان فرصت های موجود برای ایران (با تمرکز بر روابط میان روسیه و جمهوری ها) را نکات ذیل برشمرد:

- سیاست نگاه به شرق جمهوری ها

- عدم عضویت روسیه در اوپک و فروش نفت و گاز به قیمت عمدتاً بالاتر از ایران

- پیوستگی جغرافیایی ایران با جمهوری ها

- وجود تنش سیاسی میان روسیه و برخی جمهوری‌ها
- حاکمیت روابط صلح آمیز بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌های حوزه خزر
- وجود رقابت میان روسیه و کشورهای پیرامون آن

### ب: روسیه، جمهوری‌های استقلال یافته و ایالات متحده آمریکا

برخلاف فرصت‌های مناسبی که در بالا به آن اشاره شد، برخی واقعیات موجود در منطقه را نمی‌توان نادیده گرفت، از جمله سیاست نگاه به غرب روسیه و سایر جمهوری‌ها در مواردی که موافق منافع ملی این کشورها می‌باشد. در بحث تقسیم بندی بازیگران آسیای مرکزی دیدیم که آمریکا در گروه بازیگر عمده فرا منطقه‌ای قرار دارد. بدون تردید کشورهای آسیای مرکزی، آمریکا را قدرتی موازنه‌ای در مقابل روسیه می‌دانند و این امر فرصت مناسبی را برای آمریکا به وجود آورده است (لئونیدشرشنیف، ۱۳۸۳، ص ۳۳۰).

نیاز کشورهای آسیای مرکزی در ابعاد مختلف و به ویژه اقتصادی جهت توسعه، فرصت مناسبی را برای حضور سیاسی ایالات متحده در منطقه فراهم آورده است. واقعیت دیگر اینکه هم جمهوری‌های مستقر و هم ایالات متحده بر غیر واقعی و اغراق آمیز بودن ذخایر منابع نفت و گاز در منطقه کاملاً آگاه می‌باشند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به‌ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ایالات متحده به صورت هم‌زمان به دنبال دو هدف عمده در منطقه بوده است:

اول: گسترش حضور و نفوذ خود در منطقه با گسترش ناتو در شرق

دوم: تلاش جهت اعمال تحریم‌ها و منزوی کردن ایران در منطقه، در این زمینه به عنوان نمونه می‌توان به کار شکنی‌های آمریکا علیه ایران در تحمیل خط لوله باکو-تفلیس-جیحان و یا انتقال خط لوله صلح ایران، پاکستان و هند اشاره داشت. در این میان هرچند که روسیه، گسترش ناتو در منطقه سنتی تحت نفوذ خود را عملاً تهدیدی برای خود می‌بیند ولی حضور این کشور در ائتلاف ضد تروریسم با آمریکا باعث شده که معادله نقش ایران در منطقه آسیای مرکزی و از جمله بازار انرژی با مجهولات بسیاری مواجه شود (Caspian studies.com, Iran (6.p.03/07/2006, Tehran, abbas, and چراکه ایران برای داشتن نقش موثر در این بازار ناچار

به در نظر گرفتن عوامل متفاوتی در سطوح مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. به عبارت دیگر با توجه به موقعیت خاص ایران در زمینه انرژی و داشتن فرصت‌های مختلف در مقابل تهدیدهای موجود همچون گسترش چتر ناتو از سوی ایالات متحده به سوی جمهوری‌ها و تلاش آمریکا در انحراف توجه کشورهای آسیای مرکزی از خطوط لوله ایران به سیستم ارتباطی ترکیه و ائتلاف ضد تروریسم این کشور با روسیه که در این میان رقابت روسیه با ایران در زمینه کم‌رنگ کردن نقش ایران در بازار انرژی را نمی‌توان نادیده گرفت. سؤال آخر این است که:

**ایران با توجه به فرصت‌ها و تهدیدات مختلف در منطقه چگونه می‌تواند در بازار پر رقیب انرژی آسیای مرکزی نقش آفرین باشد؟**

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که ایران با وجود همه کارشکنی‌ها به عنوان بخشی از تصویر آینده انرژی باقی می‌ماند و انجام معامله بدون آن ممکن نخواهد بود. در بخش‌های قبلی دیدیم که تنها مسیر انتقال انرژی نفت و گاز بین آسیای مرکزی و اروپا و از آسیای مرکزی و آذربایجان به خلیج فارس که به نظر می‌رسد هم‌اکنون از نظر درگیری‌های قومی - سرزمینی و هم کم‌هزینه‌تر از بقیه مسیرها باشد، از ایران می‌گذرد. از سوی دیگر ایران دارای زیر ساخت‌های توسعه یافته نفت و گاز بوده و از امتیاز همجواری و روابط صلح آمیز با جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز برخوردار است. اشتراکات مذهبی و فرهنگی ایران و کشورهای حاشیه خزر نیز در این میان راه را برای تعامل هر چه بیشتر فراهم آورده است. موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک ایران در زمینه تبادل انرژی با جمهوری‌های حاشیه خزر واقعیتی غیر قابل انکار برای موافقان و مخالفان حضور ایران در بازار انرژی منطقه‌ای می‌باشد. به طوری که در مقابل کارشکنی‌های مداوم آمریکا علیه ایران، کشورهای آسیای مرکزی بارها از دولت آمریکا خواسته‌اند تا سیاست خود را در قبال ایران تغییر دهد. با وجود فرصت‌های متعدد برای ایران در عرصه حساس انرژی خزر، دیدیم که چالش‌ها و موانع متعددی نیز در این راه وجود دارند. لذا با توجه به در نظر گرفتن مجموع فرصت‌ها و تهدیدات موجود، راهکارهای ذیل برای جمهوری اسلامی ایران در رقابت تنگاتنگ انرژی منطقه قفقاز به نظر می‌رسد:

۱- تلاش هر چه بیشتر ایران در حرکت از مرحله صادرات خام انرژی به سوی سرمایه‌گذاری در بخش‌های بالا دستی نفت و گاز، با استفاده از ساخت پالایشگاه‌ها، خط

- لوله و فن‌آوری‌های برتر در رقابت با رقبای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در جهت جذب هر چه بیشتر کشورهای آسیای مرکزی در تعامل انرژی با ایران
- ۲- ارتقاء قدرت چانه زنی و داشتن ابتکار در ایجاد رابطه با کشورهای آسیای مرکزی و در نظر گرفتن گوناگونی و یافتن مسیرهای متعدد برای حمل نفت و گاز، با توجه به وجود روابط پایدار و اشتراکات فرهنگی و مذهبی بین ایران و کشورهای حاشیه خزر
- ۳- رفتار هوشمندانه ج.ا.ا. در مواجهه با برخی درگیری‌های قومی و مذهبی جمهوری‌های استقلال یافته جهت ممانعت از هرگونه فرصت سوزی که عمدتاً از سوی غرب و به ویژه ایالات متحده در مورد ایران در منطقه حساس قفقاز تبلیغ می‌شود. در این رابطه می‌توان واکنش مدیرانه ایران در برخورد با قضیه چچن را به عنوان یک نوع تامین فرصت محسوب کرد. واقعیت امر این است که دامن نزدن به مسائل قومی و مذهبی کشورهای حاشیه خزر از یک طرف فرصت حضور بیشتر غرب در منطقه را گرفته و از سوی دیگر تبلیغات سوء غرب علیه ایران به عنوان یک دولت اسلامی در منطقه را کاهش داده و فرصت ایجاد رابطه بیشتر برای ما را فراهم می‌آورد.
- ۴- تلاش مجددانه جمهوری اسلامی ایران در نحوه تعامل و بازی منطقه‌ای انرژی، با توجه به روابط حاکم بین ایران و ایالات متحده که به فرصتی برای بازیگران منطقه‌ای از جمله جمهوری‌های استقلال یافته تبدیل شده که با دور و نزدیک شدن به ایران در تنظیم روابط خود با آمریکا توانسته‌اند به امتیازهای گوناگونی دست یابند.
- ۵- ارتقاء سطح توان ایران در بهره برداری از فرصت روابط متغیر و گاه ناپایدار روسیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی، در جهت برقراری هرچه عمیق تر روابط با این کشورها و نفوذ بیشتر در بازار انرژی منطقه.
- ۶- حرکت هوشیارانه جمهوری اسلامی ایران در تنظیم رابطه با روسیه به عنوان بازیگر و رقیب عمده منطقه‌ای به نحوی که از یک سو امکان بازی روسیه با کارت ایران در راستای کسب حداکثر امتیازها از نو محافظه کاران آمریکا را گرفته، از سوی دیگر بتواند از چالش‌های میان روسیه و ایالات متحده در زمینه گسترش ناتو در شرق و نارضایتی روسیه از توسعه نفوذ آمریکا با شعار گسترش دموکراسی و جنگ علیه تروریسم با توجه به حوادث ۱۱ سپتامبر حداکثر استفاده را به عمل آورد.

۷- ضرورت در پیش گرفتن نوعی رابطه منطقی با توجه به فضای حاکم راجع به ایران با تاکید بر روابط تجاری، اقتصادی و فرهنگی و از جمله معامله انرژی با کشورهای آسیای مرکزی که به مراتب موثرتر از روابط سیاسی و ایدئولوژیک بوده و به موقعیت ایران در جمهوری- های حوزه قفقاز کمک می کند.

۸- ژئوپلیتیک ایران به گونه ای است که از قابلیت های لازم در حوزه منابع اقتصادی بهره می برد. بدون وجود چنین امکاناتی، زمینه برای متحول سازی جایگاه ایران کاهش می یابد. تغییر خطوط انتقال نفت و گاز به اروپا را می توان " محدود سازی ایران " در حوزه منابع اقتصادی دانست. به این ترتیب، جایگاه آینده ایران تابعی از چگونگی کنترل منابع اقتصادی است. به هر میزان نقش واسطه ای ایران در انتقال انرژی افزایش یابد، موقعیت مطلوبتری برای جایگاه اقتصادی و استراتژیک ایران بوجود خواهد آمد.

## منابع و مأخذ:

## الف- فارسی:

۱. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۳) " نقش آفرینی ژئواستراتژیک محور قفقاز - آسیای مرکزی در رقابت های جهانی"، مجموعه مقالات دهمین همایش آسیای مرکزی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
۲. رار، الکساند (۱۳۸۳) " بازی بزرگ در آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر: دیدگاه اتحادیه اروپا"، مترجم علیرضا خدا قلی پور، مجموعه مقالات دهمین همایش آسیای مرکزی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
۳. شرشنیف، لئونید (۱۳۸۳) " گرایشات توسعه در آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز"، مترجم پروین معظمی گودرزی، مجموعه مقالات دهمین همایش آسیای مرکزی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
۴. واریکو، ک (۱۳۸۳) " همکاری منطقه‌ای در آسیای مرکزی: مشکلات و چشم اندازها"، مترجم قاسم ملکی، مجموعه مقالات دهمین همایش آسیای مرکزی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.

## B:English

1. Adebfar, Tamine ( 2005) **Geopolitical Dimensions of the Main Export Pipeline in the Caspian Region**, Tehran , Institute for International Energy Studies
2. www.caspian studies.com , **Iran and Tehran**, Abbas, 03/07/2006
3. www.cep.ut.ac.ir
4. www.iranbar. com
5. www. iras. ir
6. www.parstimes.com " **Red Position of Caspian Oil in the World Energy Scen**", Iran importanan ces", 04/07/2006
7. www.payvand.com, " **Energy Security in the Caspian Basin and Oil – Gas Transunit through Iran**", 04/ 07/ 2006
8. www.shana.ir
9. www.useu.be " **Energy Dept Official on Caspian Policy**", 04/07/2006